

مقایسه جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود با دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل

مرتضی کرمی*

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود با دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل است. به این منظور، از میان دانشجویان تازه‌وارد دوره روزانه دانشکده‌های فنی - مهندسی، علوم پایه و ادبیات و علوم انسانی ($N=700$) و دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل همین دانشکده‌ها ($N=300$) با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ساده به ترتیب ۲۳۷ و ۱۲۴ نفر انتخاب شدند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. شاخص‌های آماری محاسبه‌شده توصیفی و استنباطی عبارت‌اند از: میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین آزمون T مستقل، شاخص اندازه اثر، تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون شفه. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود و در حال فارغ‌التحصیل، در سطح $0/01$ تفاوت معناداری وجود دارد. با انجام آزمون شفه مشخص شد که بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دانشکده‌های ادبیات و علوم پایه در سطح $0/05$ تفاوت معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، دانشجویان جدیدالورود، دانشجویان فارغ‌التحصیل

مقدمه

انسان‌شناسان امروزی برخلاف گذشته، که انسان را موجودی مستوی‌القامه، ابزارساز و سیاست‌ورز می‌دانستند، از انسان «دین‌ورز» سخن می‌گویند؛ زیرا با جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی که در جوامع گوناگون، اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته انجام شده، بیش از ۹۵ درصد انسان‌ها به وجود خدا ایمان دارند. توجه و گرایش به معنویت به صورت مهم‌ترین پدیده‌ی زمان جلوه‌گر می‌کند؛ زیرا از یک طرف، علم در پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان، ناتوان مانده و از طرف دیگر، ناامنی و احساس پوچی آدمی را خیلی آزرده است (یونگ، ۱۳۸۲).

بنا به گفته استیس «هیچ تمدنی بدون آرمان، یعنی ایمان راسخ به نظریه‌های اخلاقی نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد» (استیس، ۱۳۸۲). دین را می‌توان به مثابه عمیق‌ترین منبعی دانست که تمام موجودیت انسان، در آن پرورش یافته و تمام موارد، از جمله وحدت انسان با خداوند به آن وابسته است. به اعتقاد کارل لایل، «از هر نظر، درست گفته‌اند که دین هر فرد، واقعیت اصلی زندگی فرد یا واقعیت ملی یک فرد است. این اعتقاد چیزی است که یک فرد، عملاً در قلب خود پنهان کرده است و وظایف و سرنوشت خود را با آن در پیوند می‌داند» (یوآخیم، ۱۳۸۲).

از نظر فرام، دین در خدمت نیازهای جامعه است. پس درحقیقت، دین خاستگاه اجتماعی داشته و برای تأمین نیازهای انسان پدید آمده است (خسروپناه، ۱۳۸۲). فرام بین مذهب «قدرت‌مدار» و مذهب «انسان‌مدار» تمایز قائل می‌شود. به اعتقاد صاحب‌نظران، فرهنگ، قومیت و مذهب نقش قاطعی در شکل‌گیری مفهوم «خود» در افراد دارد و به عنوان عوامل مؤثر، در روابط بین‌فردی و در رابطه با گروه مطرح شده است (داویدو و اسس، ۲۰۰۱). همچنین مذهب فلسفه‌ای برای اثرگذاری و تفسیر جهان اجتماعی و فیزیکی تشکیل می‌دهد (حیس هام و همکاران، ۲۰۱۰^۲).

جوادی آملی، نیز معنای اصطلاحی دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی می‌داند که برای اداره امور جامعه و پرورش انسان‌ها لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۱). به‌طور کلی، در تعریف دین می‌توان گفت: دین مجموعه‌ای از حقایق و ارزش‌ها است که از طریق وحی یا الهام یا از هر راه قطعی دیگری، به انسان‌ها می‌رسد و هدایت و سعادت انسان را تأمین می‌کند. درباره اهمیت این موضوع، گورساج معتقد است که آگاهی

1. Dovidio, J. F. & Esses, V. M.

2. Hisham, M. & et al

درباره مذهب به اندازه سایر ضمایم پایگاه اطلاعاتی روان‌شناختی انسان، ارزشمند است و نیازی نیست که اهمیت مذهب را در زندگی افراد نشان داد (گورساج،^۱ ۱۹۸۸).

در این بین، جهت‌گیری مذهبی یا میزان اعتقاد به باورهای مذهبی، روی آورد کلی شخص است که از مذهب یا دین برگزیده شد؛ یعنی در ارتباط با موجودی متعالی (قدسی)، مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی دارد. جهت‌گیری مذهبی را می‌توان تقریباً معادل دین‌ورزی یا دینداری در نظر گرفت (آذربایجانی، ۱۳۸۲). جهت‌گیری مذهبی بیشتر به عنوان یک بعد از مذهبی بودن مطرح است که با سطح تعهد دینی شخص و میزان تأثیرگذاری اعتقادات دینی در سبک زندگی وی سنجیده می‌شود (کریستیانسن و همکاران،^۲ ۲۰۰۱). جهت‌گیری مذهبی در چهل سال گذشته در کانون توجه‌های روان‌شناسی دین بود و بیشتر تحقیق‌ها درباره انواع جهت‌گیری‌های مذهبی براساس نظریه آلپورت بوده است (نیکو و همکاران،^۳ ۲۰۰۷).

درباره چگونگی ساختارها و کارکردهای روان‌شناختی مذهب، تبیین چندانی صورت نگرفته است. اما نظریات جالب توجه‌ای هم وجود دارد. برای مثال، اسپیلکا، شاور و کرک پاتریک (۱۹۸۵)، مذهب را به عنوان یک نظام مرجع، برای تفسیر وقایع زندگی، بحث و بررسی کرده‌اند. مذهب می‌تواند در ایجاد احساس امید، احساس صمیمیت با دیگران، آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهارت‌تکانه، نزدیکی با خدا و کمک به حل مشکل مؤثر باشد (نیومن و پارگامنت،^۴ ۱۹۹۰).

دسی و رایان^۵ (۱۹۸۵)، کوشیده‌اند تا مذهب را در فرایند دگرگونی با استفاده از سطوح درونی‌سازی توضیح دهند. آنها سعی کرده‌اند، تا از این راه، الگویی فراهم کنند که با استفاده از آن، بتوان انواع ساختارهای روان‌شناختی به‌وجودآمده از سبک‌های گوناگون درونی‌سازی را توضیح دهند (دسی و رایان، ۱۹۸۵). پارگامنت و همکاران، برای مذهب، الگویی متناسب با بحث‌های نوینی مطرح کرده‌اند که درباره سازوکارهای مقابله‌ای مطرح شده است. آنها تلاش کرده‌اند تا برای مذهب، کنشی مقابله‌ای تعریف و براساس انواع راهبردهای مقابله مذهبی، اثرهای مذهب را در این چارچوب تبیین کنند (پارگامنت و همکاران، ۱۹۸۸ و پارگامنت، ۱۹۹۰).

1. Gorsuch, R. T.
3. Niko Tiliopoulos, A, P. & et al
5. Deci, E. L. & Rayan, R. M.

2. Kristensen, K. B. & et al
4. Newmom, J. S. & Pargament, K. I.

به نظریه دلبستگی بالبی نیز اخیراً به عنوان شیوه‌ای برای سازمان‌بندی و تغییر رفتارهای مذهبی توجه شده است (کرک پاتریک،^۱ ۱۹۹۹). به اعتقاد کرک پاتریک (۱۹۹۹)، مذهب می‌تواند به عنوان جزئی از فرایند دلبستگی، مفهوم‌سازی شود، که در آن رفتارها و باورهای مذهبی، به صورت گستره‌ای از نظام دلبستگی در انسان در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، اعتقاد مذهبی به نوعی می‌تواند دریچه‌ای منحصر به فرد به فرایندهای دلبستگی بزرگسالی بگشاید (مک‌فادن و لوین، ۱۹۹۶). به این معنا که افرادی که روابط دلبستگی ایمن دارند، دلبستگی آنها به خدا نیز ایمن است (کرک پاتریک، ۱۹۹۹).

گوردن آلپورت، نخستین فردی بود که به تفکیک تصور بیرونی از تصور درونی دین همت گمارد. تدین بیرونی دین، یک نوع نگرش دینی است که فایده‌نگرانه، در خدمت شخص و حافظ منافع او است. این افراد مستعدند که از دین برای اهداف خود استفاده کنند. اما تدین درونی، ویژگی افرادی است که کل عقاید دینی خود را بی‌قید و شرط، در ذهن و ضمیر خود رسوخ می‌دهند و از آنچه ناظر به هم‌نوع دوستی و خدمت به انسان‌ها است، دریغ نمی‌کنند (ملکیان، ۱۳۸۲). آلپورت در سال ۱۹۶۸، بر اهمیت رابطه بین تدین درونی و سلامت روانی تأکید می‌کند و می‌گوید: «مطمئناً جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی باعث سلامت روانی می‌شود» (متئوس تردوی،^۲ ۱۹۹۶).

مالتبی و دای^۳ (۲۰۰۳)، نشان دادند که به‌طور عموم رابطه منفی معناداری بین جهت‌گیری مذهبی درونی و نشانه‌های افسردگی، اضطراب و عزت نفس پایین وجود دارد. در مقابل، رابطه مثبت معناداری بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با بیماری‌های بالا وجود دارد. کالدستد^۴ (۱۹۹۵) نیز معتقد است که شخصیت می‌تواند یک عامل کلی در توسعه انواع جهت‌گیری مذهبی باشد. محققان زیادی بر متفاوت بودن افراد در جهت‌گیری مذهبی تأکید کرده‌اند. این تفاوت‌ها به عواملی مانند پویایی‌های شخصیتی، تجربه‌های مذهبی و داشتن نگرش‌های مذهبی و غیر مذهبی مربوط می‌شود. گاهی نیز این جهت‌گیری‌ها به عنوان انگیزش مذهبی است (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۱).

در تحلیل انگیزش مذهبی، سه نوع جهت‌گیری را می‌توان مشاهده کرد. جهت‌گیری ابزاری (وسیله‌ای)، افراطی و جستجوگرانه (مالتبی و دای، ۲۰۰۳). بعد ابزاری، که شبیه جهت‌گیری مذهبی بیرونی در نظریه آلپورت است، به رفتارها، اعمال و تعهد مذهبی، به عنوان ابزاری برای تمایز از غیر مذهبی بودن اشاره می‌کند. در مقابل، بعد افراطی، به

1. Kirkpatrick, L. A.
3. Maltby, J. & Day, L.

2. Mathews Treadway, K.
4. Kaldested, E.

پذیرش مذهب به عنوان یک انگیزه مسلط برمی‌گردد که سایر نیازها را با دستورهای دینی هماهنگ می‌کند. افراد در بعد جهت‌گیری جستجوگرانه، مذهب را به عنوان یک فرایند باز و بسته‌ای در نظر می‌گیرند که هر گونه پرسشی را درباره اصول و تعالیم دینی جایز می‌دانند (دانیل و همکاران،^۱ ۲۰۰۵).

با این حال، گاهی انسان در گذر از مراحل زندگی، واکنش‌های متفاوتی نسبت به اعتقادات و باورهای مذهبی خود نشان می‌دهد، گاهی تسلیم محض و گاهی عصیانگر است. به‌طور خلاصه، انسان در طول عمر خود، جهت‌گیری‌های خاصی درباره باورهای مذهبی‌اش، برمی‌گزیند. این مسئله، در دوران دانشجویی اهمیت فراوانی دارد؛ چرا که دانشجویان بخش اصلی متخصصان حوزه‌های گوناگون علمی، فنی، سیاسی، هنری و فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در اداره آینده کشور دارند (اسفندیار، ۱۳۸۲؛ به نقل از: طالقانی، ۱۳۸۵). بنابراین، ضرورت دارد که از نوع جهت‌گیری‌های آنان، به‌ویژه درباره باورهای دینی و میزان اعتقاد بر آنها آگاه باشیم تا بتوانیم برنامه‌ریزی صحیحی برای آینده اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشیم.

تحقیق‌هایی که در این باره صورت گرفته، بیشتر رابطه جهت‌گیری مذهبی را با سلامت روانی مطالعه قرار کرده است (بهرامی احسان، ۱۳۸۳؛ شریفی و همکاران، ۱۳۸۴؛ گلزاری، ۱۳۷۹؛ هالز،^۲ ۱۹۹۹؛ وست،^۳ ۲۰۰۰). نتایج این تحقیق‌ها، وجود رابطه مثبت و معناداری را بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی نشان می‌دهد. این یافته‌ها با نظر فروید و ایس مینی بر وجود رابطه بین دینداری و روان‌آزردگی مغایرت دارد (متئوس تردوی، ۱۹۹۶). پژوهش‌هایی که درباره رابطه مذهب و اضطراب انجام شده نیز به وجود رابطه‌ای منفی و معنادار، بین این دو متغیر تأکید کرده است (بهرامی احسان، ۱۳۸۱؛ بیرشک و همکاران، ۱۳۸۰؛ نیلمن و همکاران،^۴ ۱۹۹۷؛ اسکیر و گورساج،^۵ ۱۹۹۱؛ ونتیس،^۶ ۱۹۹۵). پارک و همکاران (۱۹۹۰)، نیز نشان دادند که مذهب می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای در اثرگذاری بر موقعیت‌های استرس‌زا داشته باشد.

وایترو و همکاران، با انجام فراتحلیلی بر روی ۵۶ پژوهش که رابطه بین مذهب و شادکامی را بررسی کرده بود، نتایج جالبی به دست آوردند. در نتایج آنها با توجه به ۱۶ درصد انحراف معیار به‌دست‌آمده، همه پژوهش‌ها اثر مثبتی را آشکار کردند (هالامی و آرچیل،^۷ ۱۹۹۷).

1. Daniel, W. & et al

3. West, W.

5. Schafer, C. A. & Gorsuch, R. L.

7. Hallame, B. B. & Argyle, A.

2. Hales, D.

4. Neelman, J. & al

6. Wentis, W. L.

میتون (۱۹۸۹)، در گزارش پژوهش خود، نشان داد که حمایت معنوی ناشی از احساس ارتباط با خدا، اثر موقعیت‌های استرس‌زای اساسی، مثل مرگ فرزند را کاهش می‌دهد و به صورت مثبتی بر افسردگی، میزان سازگاری و حرمت خود تأثیر می‌گذارد.

یافته‌های پژوهش سهرابیان (۱۳۷۹) نیز نشان داد که نگرش‌های مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش خداپناهی و خاکسار بلداجی مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی دانشجویان سازگار و همسو است (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). اما تحقیق‌ها درباره تغییرهای جهت‌گیری مذهبی در دوره دانشجویی یا سایر دوره‌های تحصیلی خیلی کم و در حد انگشت‌شمار بوده است. یافته‌های پژوهش خداپناهی و خوانین‌زاده سریزدی (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که دانشجویان دختر، دانشجویان سال آخر و دانشجویان دانشکده برق و کامپیوتر، سطح روی‌آوردی بالاتری، نسبت به مذهب دارند.

پژوهش عظیمی و ضرقامی (۱۳۸۱)، نیز تفاوت معنادار، بین زنان و مردان در شیوه‌های مقابله مذهبی را تأیید می‌کند. پژوهش ظهور و توکلی (۱۳۸۱)، تأییدکننده این است که دانشجویان با سال‌های تحصیلی کمتر، نگرش مذهبی قوی‌تری نسبت به دانشجویان با سال‌های تحصیلی بالاتر دارند. با توجه به مطالب بیان‌شده، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که «آیا بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود با دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل تفاوت معناداری وجود دارد؟».

روش

— **آزمودنی:** جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه دانشجویان جدیدالورود و فارغ‌التحصیل دوره روزانه دانشکده‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۶ است. این جامعه آماری، به ترتیب ۷۰۰ و ۳۰۰ نفر هستند. نمونه آماری نیز، براساس جدول مورگان برای جامعه جدیدالورودی‌ها (N=700) با سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۲۳۷ نفر و برای جامعه فارغ‌التحصیلان (N=300)، ۱۲۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی - طبقه‌ای ساده بود. به طوری که دانشکده ادبیات و علوم انسانی به عنوان یک طبقه و دانشکده‌های فنی و مهندسی، تربیت بدنی و کشاورزی به عنوان طبقه دوم و

دانشکده علوم پایه به عنوان طبقه سوم انتخاب شد. سپس نمونه‌گیری در این طبقه‌ها، به صورت تصادفی ساده از بین دانشجویان دختر و پسر انجام شد. در نمونه اول، ۶۵ درصد دختر و ۳۵ درصد پسر و در نمونه دوم، ۵۵ درصد دختر و ۴۵ درصد پسر، متناسب با فراوانی‌شان در جامعه برگزیده شدند.

— ابزار تحقیق: برای سنجش جهت‌گیری مذهبی (میزان اعتقاد به باورهای مذهبی) دانشجویان، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی به کار رفت که توسط آذربایجانی (۱۳۸۲) و با رویکردی اسلامی تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۷۰ پرسش چهارگزینه‌ای (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) است. پرسشنامه از ۲۴ پرسش مثبت و ۲۶ پرسش منفی تشکیل شده است. طالقانی و همکاران (۱۳۸۵)، روایی محتوایی این آزمون را ۰/۷۷۵ و پایانی آن را بعد از اجرا در یک نمونه ۱۷۵ نفری براساس آلفای کرونباخ ۰/۹۴۳ به دست آوردند.

— شیوه تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌های از اجرای اصلی، روش‌های آمار توصیفی، مانند میانگین، انحراف استاندارد و خطای معیار میانگین و همچنین روش‌های آمار استنباطی، مانند آزمون T مستقل و آزمون واریانس یک‌راهه و آزمون شفه استفاده شده است.

نتایج

برای مقایسه جهت‌گیری مذهبی دانشجویان، ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی، مانند میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین، آن طوری محاسبه شد که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص‌های آمار توصیفی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
جدیدالورود	۲۳۷	۱۵۳/۹۵	۲۵/۴۷۴۹۳	۱/۶۵۴۷۷
در حال فارغ‌التحصیل	۱۲۴	۱۴۴/۹۵	۲۴/۳۸۹۰۷	۲/۱۹۰۲۰
پسر	۱۴۰	۱۵۳/۴۹	۲۴/۱۷۵۱۷	۲/۰۴۳۱۷
دختر	۲۲۱	۱۴۹/۱۹	۲۶/۱۱۹۳۱	۱/۷۵۶۹۷
دانشکده ادبیات	۱۵۴	۱۴۷/۱۲	۲۶/۸۵۲۵۳	۲/۱۶۳۸۴
دانشکده فنی	۷۳	۱۵۲/۱۰	۲۳/۶۱۱۵۳	۲/۷۶۳۵۲
دانشکده علوم	۱۳۴	۱۵۴/۴۹	۲۴/۲۸۲۰۹	۲/۰۹۷۶۵

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین‌ها براساس شرایط تحصیل، جنسیت و دانشکده به ترتیب به دانشجویان جدیدالورود، دانشجویان پسر و دانشکده ادبیات مربوط می‌شود.

جدول ۲: مقایسه میانگین‌های دانشجویان جدیدالورود و در حال فارغ‌التحصیل

شاخص‌ها متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار t	درجه‌های آزادی	سطح معناداری
جدیدالورود	۲۳۷	۱۵۳/۹۵	۲۵/۴۷۴۹۳	۱/۶۵۴۷۷	۸/۹۹۷۷۵	۳/۲۳۳	۳۵۹	۰/۰۰۱
فارغ‌التحصیل	۱۲۴	۱۴۴/۹۵	۲۴/۳۸۹۰۷	۲/۱۹۰۲۰	۸/۹۹۷۷۵			

با توجه به داده‌ها، نمره T به دست آمده (3/233)، با $D.F=359$ در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود. بنابراین، بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود و فارغ‌التحصیل تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی دانشجویان جدیدالورود از دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل مذهبی‌تر هستند. محاسبه شاخص اندازه اثر، میزان این تفاوت را ۰/۰۵۲ نشان داد که براساس مقیاس کهن، اندازه اثر کمی است.

جدول ۳: مقایسه میانگین‌های دانشجویان براساس جنسیت

شاخص‌ها متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار t	درجه‌های آزادی	سطح معناداری
دانشجویان پسر	۱۴۰	۱۵۳/۴۹	۲۴/۱۷۵۱۷	۲/۰۴۳۱۷	۴/۳۰۲۸۱	۱/۵۶۹	۳۵۹	۰/۱۱۷
دانشجویان دختر	۲۲۱	۱۴۹/۱۹	۲۶/۱۱۹۳۱	۱/۷۵۶۹۷	۴/۳۰۲۸۱			

با توجه به داده‌ها، نمره T به دست آمده (۱/۵۶۹)، با $D.F=359$ در سطح ۰/۰۵ تأیید نمی‌شود. از این رو، بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه میانگین‌های سه دانشکده در نمره جهت‌گیری مذهبی

شاخص‌ها منابع تغییر	مجموع مجذورها	درجه‌های آزادی	میانگین مجذورها	نسبت F	معناداری
بین گروه‌ها	۴۰۳۰/۱۰۰	۲	۲۰۱۵/۰۵۰	۳/۱۵۲	۳/۰۶۳
درون گروه‌ها	۲۲۸۸۸۱/۶۹۵	۳۵۸	۶۳۹/۳۳۴		
کل	۲۳۲۹۱۱/۷۹۵	۳۶۰			

با توجه به جدول شماره ۴، F به دست آمده با $D.F=2$ صورت و $D.F=358$ مخرج در سطح $0/05$ معنادار است. به عبارت دیگر، نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در متغیر جهت‌گیری مذهبی دانشکده‌های ادبیات، فنی - مهندسی و علوم پایه وجود دارد. جدول شماره ۵ آزمون شفه را برای این معناداری نشان می‌دهد.

جدول ۵: آزمون شفه

معناداری	خطای معیار میانگین	تفاوت میانگین‌های I-J	دانشکده (I) دانشکده (J)
0/384	3/59298	-4/97901	ادبیات فنی
0/049	2/98708	-7/36819	علوم
0/384	3/59298	4/97901	فنی ادبیات
0/810	3/67820	-2/38918	علوم
0/049	2/98708	7/36819	علوم ادبیات
0/810	3/67820	2/38918	پ فنی

با توجه به یافته‌ها از جدول بالا، تفاوت بین میانگین‌های دانشکده‌های ادبیات و علوم پایه در سطح $0/95$ اطمینان معنادار است؛ یعنی دانشجویان دانشکده علوم نسبت به دانشجویان دانشکده ادبیات جهت‌گیری مذهبی‌شان بیشتر است. ولی دانشکده‌های بیان‌شده در مقایسه با دانشکده فنی از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشتند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مقایسه جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود و فارغ‌التحصیل دانشگاه رازی در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۶ است. در این راستا، یک فرضیه مطرح شد که عبارت است از: بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود و فارغ‌التحصیل تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش وجود تفاوت معنادار، بین دو گروه بیان‌شده را در سطح $0/001$ و با $t=3/233$ تأیید می‌کند. این نتیجه با یافته‌های ظهور و توکلی (۱۳۸۱)، همسو و با یافته‌های خدایپناهی و سریزدی (۱۳۷۹)، مغایر است.

شاید یک دلیل در توضیح این نتیجه این باشد که دانشجویان هنگام ورود به دانشگاه، همزمان با بالا رفتن سطح علمی و جستجو برای یافتن فلسفه زندگی خود، نسبت به اعتقادات و ارزش‌های خود در زمینه‌های گوناگون، اعم از سیاسی، اجتماعی و مذهبی بازنگری می‌کنند. متغیر تأثیرگذار دیگر، شرایط محیطی است؛ به این معنا که شهر کرمانشاه، یکی از شهرهای دارای تنوع دینی و مذهبی بالا است. از این رو، دانشجویان به تدریج، برای

سازگاری با چنین تنوع مذهبی، حساسیتشان را نسبت به امور دینی و اعتقادی کاهش می‌دهند. عامل دیگری که می‌تواند این تفاوت را تبیین کند، ماهیت مباحث فکری و فلسفی‌ای است که بیشتر دانشجویان در طول تحصیل خود با آنها درگیرند. در چنین مباحثی، برای بیشتر دانشجویان ممکن است شبهاتی مطرح شود که درنهایت، جواب قانع‌کننده‌ای نتواند برای آن بیابد. این امر می‌تواند به صورت یک گشتالت ناقص عمل کند و حوزه اعتقادی و فکری فرد را تحت تأثیر خود قرار دهد.

تفاوت معناداری بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های جلیلود (به نقل از: عظیمی، ۱۳۸۱) و عمران‌نسب (۱۳۷۷)، همسو و با یافته‌های پارگمنت (۱۹۹۰)، صولتی (۱۳۷۷)، خداپناهی و خوانین‌زاده سریزدی (۱۳۷۹) و ظهور و توکلی (۱۳۸۱) مبنی بر مذهبی بودن زنان نسبت به مردان، مغایر است. توجیه مطرح در تحقیق‌هایی که تفاوت بین دو جنس معنادار بوده، آن است که مذهب فرمان‌ها و دستورهای دارد که جنبه‌های اخلاقی و تربیتی را دربر دارد و این موارد با نقش زنان به عنوان مادر و مربی همخوانی بیشتری دارد. این مطلب در نظریه رشد اخلاقی کلبه‌گ (شارف، ۱۳۸۲). بخشی از این تفاوت نیز به راه‌های گوناگون اجتماعی شدن دختران و پسران مربوط می‌شود. بعضی از محققان معتقدند که تفاوت‌های دو جنس در نگرش‌های مذهبی ممکن است به مذهب خاص مورد مطالعه، مربوط باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). پژوهشگرانی که از نظر نگرش دینی تفاوت معناداری بین دو جنس به دست نیآورده‌اند، اعتقاد دارند که این تفاوت، ویژه فرهنگ‌های غربی است و چنین تفاوتی در فرهنگ ما به دلایلی، از جمله نفوذ بسیار زیاد و گسترده مذهب در همه اعصار و دوران‌ها مشاهده نمی‌شود (محمدی و محرابی‌زاده هنرمند؛ به نقل از: حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). البته نکته این است که پژوهش‌هایی که تفاوت بین دو جنس را بیان کرده‌اند. بالاتر بودن نگرش مذهبی در جنس دختر در آنها گزارش شده است، نه به ضرورت بیشتر بودن رفتارهای بیانگر دینداری.

تفاوت معناداری در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دانشکده‌های ادبیات و علوم پایه در سطح ۰/۰۵ وجود دارد؛ در حالی که یافته‌های تحقیق خداپناهی و خوانین‌زاده سریزدی (۱۳۷۹) نشان داد که دانشجویان دانشکده برق و کامپیوتر بیشترین روی آورد را به مذهب دارند. البته رشته تحصیلی می‌تواند عاملی تأثیرگذار در این باره باشد که یافته‌های خداپناهی و خوانین‌زاده سریزدی (۱۳۷۹)، نیز تأثیر رشته تحصیلی را تأیید کرده است. سروکار داشتن دانشجویان دانشکده ادبیات با کتب بیشتر ترجمه‌ای، که بیانگر دیدگاه‌ها و تفکرهای فیلسوفان و اندیشمندان غربی است، باعث شده تا آنها نوعی جهت‌گیری جستجوگرانه را داشته باشند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲)، تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- استیس، والتر (۱۳۸۲)، «در بی‌معنایی معنا هست»، فصلنامه نقد و نظر، س ۸، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۵-۱۵۹.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۱)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و حرمت خود»، مجله روان‌شناسی، س ۶، ش ۴، ص ۳۳۶-۳۴۷.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۳)، «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳۴، ش ۴، ص ۴۱-۶۳.
- بیرشک، بهروز؛ نورمحمد بخشایی؛ سیداکبر بیان‌زاده و طیبه آذربایجانی (۱۳۸۰)، «بررسی نقش مذهب در تجربه و رتبه‌بندی استرس‌های زندگی، افسردگی و اضطراب»، چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، ص ۲۰۱-۲۱۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حیدری، اسفندیار؛ فاطمه خلیلی شرفه و محمدکریم خداپناهی (۱۳۸۸)، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی» مجله روان‌شناسی، س ۱۳، ش ۳، ص ۱۸۳-۱۹۸.
- خداپناهی، محمدکریم و مرجان خوانین‌زاده سریزدی (۱۳۷۹)، «بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، س ۴، ش ۲، ص ۱۸۵-۲۰۴.
- خداپناهی، محمدکریم و مهراں خاکساربلداچی (۱۳۸۴)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، س ۹، ش ۳، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- سهرابیان، طاهره (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س).
- شارف، ریچارد اس. (۱۳۸۲)، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- شریفی، طیبه؛ مهناز محرابی‌زاده هنرمند و حسین شکرکن (۱۳۸۴)، «نگرش دینی و سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز»، مجله اندیشه و رفتار، س ۱۱، ش ۱، ص ۸۹-۹۹.

طالقانی، نرگس؛ محمود روغنچی و جهانگیر کرمی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی دانشجویان»، فصلنامه روان‌شناسی، ش ۲، ص ۱۷۱-۱۹۸.

ظهور، علیرضا و علی توکلی (۱۳۸۱)، «وضعیت نگرش مذهبی دانشجویان علوم پزشکی کرمان در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۹»، مجله ارمغان دانش، س ۷، ش ۲۸، ص ۴۵-۵۳.

عظیمی، حمیده و مهران ضرقامی (۱۳۸۱)، «بررسی مقابله مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۷۸-۷۹»، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، س ۱۲، ش ۳۴، ص ۲۱۷-۲۲۹.

گلزاری، محمود (۱۳۷۹)، «ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی - رفتاری افراد مذهبی و رابطه این خصوصیت با بهداشت روانی»، رساله دکترای روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲)، «نواندیشی دینی»، مجله کتاب نقد، ش ۱۴، ص ۱۵۳-۱۶۹.

یوآخیم، واخ (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: سمت.

یونگ، کارل (۱۳۸۲)، روان‌شناسی و دین، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: فرهنگی و علمی.

- Daniel, W.; J. A. Barrett; G. T. Patock- Peckham & G. T. Hutchinson (2005), "Cognitive Motivation and Religious Orientation", *Journal of Personality and Individual Differences* 38, pp.461-474.
- Deci, E. L. & R. M. Ryan (1985), *Intrinsic Motivation and Self Determination in Human Behavior*, New York: Plenum Press.
- Dovidio, J. F. & V. M. Esses (2001), "Immigrants and Immigration: Advancing the Psychological Perspective", *Journal of Social Issues* 57, pp.375-387.
- Gorsuch, R. T. (1988), "Psychology of Religion", *Journal of Annual Review of Psychology* 39, pp.201-221.
- Hales, D. (1999), *An Invitation to Health*, U. S. A: Brook/Cloe Publishing Company.
- Hallame, B. B. & A. Argyle (1997), *The Psychology of Religious Behavior, Belief and Experience*, Washington: Routledge.
- Hisham Motcal, A. R. & W. Fiona Ann (2010), "Acculturation Orientation and Religious Identity as Predictors of Anglo-Australian's Attitude to

- Wards Australian Muslims", *International Journal of Intercultural Relations*, xx, xxx-xxx.
- Kaldested, E. (1995), "The Empirical Relationship of the Religious Orientations of Personality", *Scandinavian Journal of Psychology* 36, pp.95-108.
- Kirkpatrick, L. A. (1999), *Attachment and Religious Representations and Behavior*, New York: London.
- Kristensen, K. B.; D. M. Pedersen & R. N. Williams (2001), "Profiling Religious Maturity: the Relationship of Religious Attitude Components to Religious Orientations", *Journal for the Scientific Study of Religion* 40, pp.75-86.
- Maltby, J. & L. Day (2003), "Religious Orientation, Religious Coping and Appraisals of Stress: Assessing Primary Appraisal Factors in the Relationship Between Religiosity and Psychological well-being", *Journal of Personality and Individual Differences* 34, pp.1209-1224.
- Mathews Treadway, K. (1996), "Religion and Optimism: Models of the Relationship", *The Student Journal of Psychology*, pp.1-13.
- Maton, K. I. (1989), "The Stress-Buffering Role of Spiritual Support: Cross-Sectional and Prospective Investigations", *Journal for The Scientific Study of Religion* 28, pp.310-323.
- Mcfadden, S. H. & J. S. Levin (1996), *Religion, Emotions and Health*, San Diego: Academic Press.
- Neelman, J.; D. Halpem; D. Leon & G. Lewis (1997) "Tolerance of Suicide, Religion and Suicide Rates: an Ecological and Individual Study in Western Countries", *Journal of Psyc Med*, 27(5): 71-89.
- Newmom, J. S. & k. I. Pargament (1990), "The Role of Religion in the Problem-Solving Process", *Journal of Review of Religions* 31, pp.390-403.
- Niko Tiliopoulos, A. P.; P. M. Bikker Anthony & P. K. Coxon (2007), "The Means and Ends of Religiosity: a Fresh Look at Gordon Allport's Religious Orientation Dimensions", *Journal of Personality and Individual Differences* 42, pp.1609-1620.

- Pargament, K. I. (1990), "God Help Me: Religious Coping Efforts as Predictors of the Out Comes to Significant Life Events", *American Journal of Community Psychology* 18, pp.793-824.
- Pargament, K. I.; J. Kenneil; W. Hathaway; N. Grerengood; J. Newman & John W. (1988), "Religion and the Problem Solving Process: Three Styles of Coping", *Journal for the Scientific Study of Religion* 24, pp.90-194.
- Park, C.; L. Cohen & L. Herb (1990), "Intrinsic Religiousness and Religious Coping as Life Stress Moderators for Catholic Versus Protestants", *Journal of Personality and Social Psychology* 59, pp.562-574.
- Schafer, C. A. & R. L. Gorsuch (1991), "Psychological Adjustment and Religiousness", *Jornal for the Scientific Study of Religion*, 3(4):44-61.
- Wentis, W. L. (1995), "The Relationships Between Religious and Mental Health", *Journal of Social Issues*, 51(2):33-49.
- West, W. (2000), *Psychology and Sprituality*, London: Sage Publication.